

# اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

## درباره بازداشت غیرقانونی گروهی از رهبران حزب و پی آمدهای خطرناک سیاسی آن

سرانجام تحریکات و توطئه‌های علیه حزب توده ایران، که طی تمام دوران پس از پیروزی انقلاب یک لحظه متوقف نشده به اوج خود رسید و گروهی از رهبران سرشناس و دبیر اول حزب رفیق نورالدین کیانوری، برغم نسبی صریح قانون اساسی و اظهارات صریح مقامات مسئول در مورد احترام به آزادی عقیده در جمهوری اسلامی ایران بسته اتهامات واهی و بی‌اساس بازداشت شدند.

رفیق کیانوری، یکی از بزرگمردان تاریخ معاصر ایران است که بیش از چهل سال علیه رژیم منفور پهلوی و در راه دفاع از استقلال ملی ایران و حقوق طبقه کارگر و زحمتکشان کشور رزمیده و در تدوین و اجرای مشی انقلابی حزب توده ایران، در جهت تأمین اتحاد هفت تیره‌های انقلابی و پشتیبانی قاطع از سنگری ضد امپریالیستی و مردمی خط امام از ۱۵ خرداد ۴۲ تا به امروز و خنثی کردن توطئه‌های ضد آن نقش درجه اول داشته است.

سایر رهبران حزبی هم که بازداشت شده‌اند، هر یک در خدمت به انقلاب و توده زحمتکش کم نظیرند. از جمله رفقا جعفری، هم‌وئسی، شلتوکسی، باقرزاده، ذوالقدر، کسی‌منش از کسانی هستند که بخاطر مبارزه در راه استقلال ملی و علیه رژیم شاه هر یک ۲۵ سال در زندان شاه اسیر بودند.

بقیه در صفحه ۶

# راه توده

شهره‌افزاران حزب توده ایران هر پنجشنبه از کشور

جمعه ۲۰ اسفند ۱۳۶۱ مطابق ۲۵ جمادی الاول ۱۳۶۳ و ۱۱ مارس ۱۹۸۳  
جای اول - شماره ۳۲  
پست : ۵۰ - تهران

## احزاب کمونیست و کارگری و نیروهای ضد امپریالیستی و شخصیت‌های برجسته جهان از حزب توده ایران دفاع می‌کنند

صفحه ۲

## دروود آتشین به رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده‌ای ما

حزب توده ایران و مبارزان آن افتخار دارند که پیوسته حوادث دنیا و ایران را با منطق علمی خویش سنجیده، بر اساس مصالح ایران عزیز پاخذ تصمیم پرداخته و تا پای جان بر سر تصمیم خود ایستاده اند.

رفیق نورالدین کیانوری سال ۱۳۲۸

در پیدادگاه محمد رضا شاه، که به دادگاه خلق علیه رژیم پهلوسی تبدیل شد!

آری، یک چنین بزرگمرد تاریخ ایران، یک چنین آزاد مردی، که تمام عمر آگاه، پر بار، جوشان و بیکار جویانه خود را صرف دفاع از منافع خلق‌های میهن ما کرده است و در تمام لحظات زندگیش با تمام سلولهای بدنش، با تمام وجودش، با جان و تنش علیه امپریالیسم، ارتجاع داخلی و خارجی رزمیده است، بزرگمردی که با روشن بینی خلاق و علمی راه رشد و تعمیق انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلقی میهن ما را روشن ساخته است و پایمردانه از سمت گیری ضد امپریالیستی و مردمی خط امام از ۱۵ خرداد ۴۲ تا به امروز پشتیبانی کرده است، آری، یک چنین بزرگمرد تاریخ ایران اکنون در زندان میهنی است، که خراست از آن و دفع توطئه‌های امپریالیستی و بقیه در صفحه ۳

## جنگ ایران و عراق، مسائل و راه حل‌ها

در هفته‌های اخیر، خطر آن نیروی که حتی صداهایی از این قبیل پیوسته نادر تر و گم‌نگتر گردد. با این وجود چون سخنان گفته شده در نماز جمعه متعلق به یکی از شخصیت‌های مسئول کشور و در باره یکی از معضلات مهم است بخود اجازه میدهم آنها را بطور مختصر بررسی کنیم. حجتاً، رفسنجانی خطبه‌های نواز جویبارها گفت که نباید در انتظار پایان گرفتن جنگ، در بقیه در صفحه ۱۱

حجت‌الاسلام رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، عضو و سخنگوی شورای عالی دفاع، در خطبه‌های نماز جمعه هفته گذشته، جنگ ایران و عراق را از زاویه‌ای مورد بررسی قرار داد که معمولاً در رسانه‌های گروهی ایران درباره آن سکو میشود. مستقل از اینکه ما با برخی از ارزیابی‌های ایشان پیرامون مشکلات موجود و از جمله مسئله جنگ موافق نیستیم، نمی‌توانیم روش آقایی رفسنجانی را در طرح آشکار و روشن نظریاتشان تحسین نکنیم. بد نیال هجوم عناصر قشری‌وراست

## بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران در شیکاگو

روز ۲۶ فوریه، هواداران حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دوستان آمریکایی ایران انقلابی AFRI و حزب کمونیست آمریکا سالگرد پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران را با شرکت چند صد نفر در شهر شیکاگو جشن گرفتند. این جشن از سوی بیش از ۲۰ سازمان انقلابی و مترقی در آمریکا، از جمله هواداران "جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین"، "اتحادیه دمکراتیک عراق"، "سازمان دانشجویان عراقی در آمریکا و کانادا"، "سازمان دانشجویان اردنسی در بقیه در صفحه ۶

# دروود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

# احزاب کمونیست و کارگری و نیروهای ضد امپریالیستی و شخصیت‌های برجسته جهان از حزب توده ایران دفاع می‌کنند

احزاب امضا کننده بیانیه زیر در جلسه‌ای مورخ ۳ مارس ۱۹۸۲ در مورد وقایع اخیر ایران، که منجر به بازداشت بخشی از رهبران حزب توده ایران شده است، به تبادل نظر پرداخته و با هشداری به مسلمانان مبارز در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران خواستار آزادی رفیق نورالدین کیانوری و قیام رهبران و اعضای حزب توده ایران شدند.

## بیانیه

۱- پیش از این راستگرایان به حزب توده ایران و بازداشت بخشی از رهبران حزب، و به ویژه رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، را باید نقطه عطفی در سرنوشت دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران دانست. ارتجاع داخلی ایران و حامیان امپریالیستی آن هر بار که به استقلال و منافع ملی ایران ضربه وارد ساختند، این ضربه را با یورش به حزب توده ایران آغاز کردند. حزبی که در ۴۱ سال عمر پیکار گرانه خود علیه امپریالیسم و ارتجاع هزاران قربانی داده و هزاران سال زندان در پشت سر خود به جا گذاشته است، اتهام "جاسوسی" و "جعل اسناد" به رفقای مذکور که اتهام نادرست و امپریالیسم ساخته ای بیش نیست، فقط پنهان ای است برای وارد آوردن ضربات هرچه کاری تر به انقلاب و دستاوردهای آن. فرزندان زیادی از زندگانشان ایران که در دامان این حزب پرورش یافته اند در دوران رژیم شاهنشاهی به همین "جرم" به جوخه آتش سهرده شده اند، به زندان محکوم شده اند و شکنجه و در بدی را تحمل کرده اند.

۲- تجربه تاریخی در کشورهای منطقه و خارج از آن در دوران فعلی و در گذشته می آموزد که تهاجم به حقوق دموکراتیک و قانونی پیگیرترین مبارزان ضد امپریالیسم و ضد ارتجاع آغاز شکست نهایی انقلاب است.

۳- جای انقلاب ایران و جمهوری نوپای مستقل اسلامی ایران در جبهه عظیم ضد امپریالیستی جهانی است، در کنار جنبش های آزادی بخش ضد امپریالیستی در کنار جنبش های کارگری مترقی کشورهای سرمایه داری و در کنار اردوگاه عظیم سوسیالیستی.

چنین موضع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با ایجاد یک جبهه متحد خلق در داخل کشور که از مدافعان راستین انقلاب، چه مسلمانان انقلابی و چه دگراندیشان انقلابی تشکیل شده است، شرط تداوم و پیروزی نهایی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران است.

۴- ما امضا کنندگان این بیانیه کینه هواداران راستین انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران هستیم نگرانی عمیق خود را از بازداشت بخشی از رهبری حزب توده ایران

و در رأس آن رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول حزب ایران می داریم و هشدار می دهیم که کسلی دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران در خطر است. ما که از پیگیرترین مدافعان و متحدان جهانی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران هستیم نسبت به سلامت رفقای دستگیر شده عمیقاً نگرانیم. همچنین نباید از مد نظر دور داشت که عوامل ناشناخته دشمن، که در ارگانها و نهاد های حکومتی ایران نفوذ کرده اند، نیز خطر بالقوه جدی علیه جان این رفقا هستند.

۵- ما با توجه به نکات فوق و با آگاهی بر وزن و اثر تاریخی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران از حاکمیت مسلمانان مبارز در ایران خواستاریم که با آزاد ساختن رفقای بازداشت شده رهبری حزب توده ایران، به ویژه رفیق نورالدین کیانوری و برداشتن تضيقات فعالیت سیاسی قانونی برای حزب توده ایران، راه تعمیق انقلاب را باز سازند و به پیشروی و تحکیم مواضع نیروهای واپسگرا ایستادند.

حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی، وادیم زاگلادین عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزب کمونیست آروانتین، حزب کمونیست استرالیا، حزب کمونیست برزیل، حزب کمونیست بلغارستان، حزب کمونیست دانمارک، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست عراق، حزب کمونیست اسرائیل، حزب کمونیست هندوستان، حزب کمونیست مالتا، حزب کمونیست نروژ، حزب کمونیست سوریه، حزب کمونیست تونس، حزب کمونیست اروگوئه، حزب کمونیست ترکیه، حزب کمونیست ویتنام، حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، حزب کمونیست ژاپن، حزب چپ کمونیست سوئد، حزب خلقی کار قبرس (اکل)، حزب خلقی مردمی گویانا، اتحاد نیروهای خلقی و سوسیالیستی و متحده مصر، حزب کمونیست آلمان فدرال، حزب آزادی سوئیس، حزب مردم و انقلابی مغولستان، حزب کارگران ایرلند، حزب سوسیالیست متحده آلمان دموکراتیک

## بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران در شیکاگو

بقیه از صفحه ۸

دستگیری دبیر اول و دیگر رهبران عده حزب توده ایران است. ما برای آزادی آنها تلگرام نیز فرستادیم. رفیق دیسکیسن در پایان سخنانش گفت: "قبل از آمدن به شیکاگو، رفیق هنسری وینستون صدر حزب و رفیق گاس هسنا"

دبیر کل حزب ما از من خواستند تا این پیام را به شما برسانم که طغریم هرگونه مشکلی که در آینده برای مردم ایران بوجود آید، و نتیجه نبرد کنونی در ایران هر چه باشد، حزب کمونیست آمریکا در کنار مردم ایران خواهد ایستاد. ما برای مردم ایران خوشبختی و صلح و مو

فقیتهای بزرگ در نبرد انقلابیانشان آرزو می کنیم. در پایان قسمت اول "مکی نیومن" از رهبران جنبش کارگری در شیکاگو و عضو هیئت اجرایی "دوستان آمریکایی ایران انقلابی" در رابطه با منافع مشترک مردم ایران و آمریکا صحبت کرد. و خاطر نشان ساخت که مبارزه در راه صلح و بر علیه میلیتاریسم و سرمایه داری آینده خلق های زحمتکش ایران و آمریکا را باید یکره پیوند میدهد. وی از تمامی نیروهای مترقی و صلح دوستی دعوت کرد به جمعیت "دوستان آمریکایی هواداران ایران انقلابی" بپیوندند.

# درد آتشین به رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده‌ای ما

بقیه از صفحه ۱

ضد انقلابی علیه آن را او عمده ترین وظیفه خود در چهار سال پس از پیروزی انقلاب نیز اعلام کرده و لحظه‌ای از پایداری بر سر پست و در سنگر خود برای خدمت به این وظیفه تاریخی، برای حراست از میهن انقلابی تعلق نشسان نداده است!

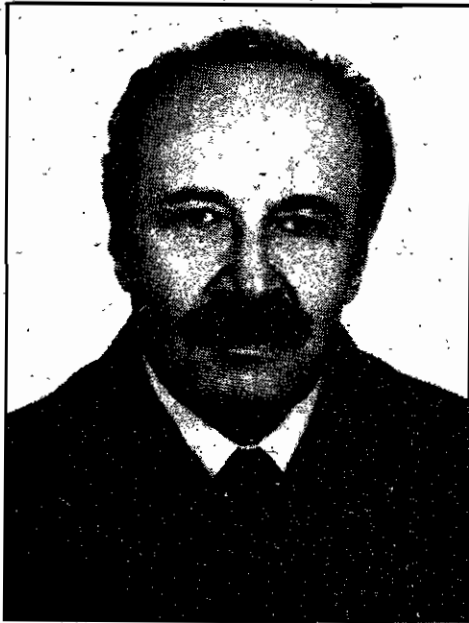
آری، اکنون جمهوری نوپای ایران، همانطور که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب ما مورخ ۲۷ بهمن ۶۱ آمده است، "زندانیان بهترین مدافعان جمهوری اسلامی است."

رفیق نورالدین کیانوری، که روزی (۱۳۲۸) در مقابل قضاوت دادگاه شه فرموده اینستاد و اعلام کرد، که "ما مبارزان حزب توده ایران سربازان راه آزادی هستیم و امروز که قدم در این راه پسر خطر نهادیم، زندگی خود را وقف کردیم" نه در حرف، بلکه در عمل نیز نشان داد که چگونه بر سر عهد و پیمان خود استوار باقی است.

رفیق نورالدین کیانوری و رفقای دیگر یازدها شده رهبری حزب ما آگاهانه و با تحلیل روشن، علمی و انقلابی خود، برای حراست از اصل ۲۶

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای حفظ و تثبیت حقانیت فعالیت قانونی سیاسی حزب توده ایران و با وجود آگاهی کامل به خطری که سلامت و آزادی آنها را تهدید میکرد - و این تهدید و پرونده سازی راستگرایان علیه خود را ۹ ماه پیش در نامه سرگشاده‌ای به دولت مردان جمهوری اسلامی اعلام کرده بودند - به تعهد که در مقابل دوستان خلق کرده بودند، پایبند ماندند، تا یکبار دیگر نشان دهند و یکبار دیگر پیاموزانند، که فرصت طلب نبودند و نیستند! تا یکبار دیگر نشان دهند و یکبار دیگر پیاموزانند، که آنانی که شرافتمندانه از حقوق زحمتکشان دفاع می کنند، نیازی هم به فرصت طلبی ندارند!

حزب ما و در رأس آن رفیق کیانوری اعلام کرده است، که پشتیبان صادق رخط ضد امپریالیستی و خلقی مسلمانان مبارز بوده و به تعهداتی که آنها برای احترام به حقوق دگراندیشان مدافع انقلاب کرده‌اند، اعتماد دارد. ما این اعتماد خود را در عمل هم اثبات کردیم و بنا به اصرار و تاکید مقامات رسمی وزارت کشور،



فهرست کامل اعضای رهبری و مشخصات و آدرس کامل آنان را به آن وزارت خانه دادیم و بسیاری متاسفیم که این مشخصات در یازدها رهبران حزب ما مورد سوء استفاده قرار گرفته و به اعتبار و امانت مقامات جمهوری اسلامی ایران لطمه جبران ناپذیری وارد کرده است" (اعلامیه کمیته مرکزی، ۲۷ بهمن ۶۱).

رفیق کیانوری در یازدها گاه شاه در سال ۱۳۲۸ آن "جرم" هائی را برمی شمرد، که علت واقعی زندانی کردن و محکومیت رهبری حزب ما بودند - اکنون نیز هستند - او می گوید: "آقایان قضاوت! جرم ما این است، که زندگی خود را با مقیاس منافع ملت ایران سنجیدیم. جرم ما این است، که همه چیز را فدای آزادی و استقلال و سریلندی ملت ایران کردیم. جرم ما این است، که هر روز به رنگی در نیامدیم. جرم ما این است، که همیشه راست گفته ایم - سخت بود، ما هم ضعف نشان ندادیم و به دشمنان ملت تسلیم نشدیم. این ها بود جرم های نابخشودنی ما. و برای جرم هاست، که ما را در بین دزدان و آدمکشان به زندان افکند هاند. برای همین جرم هاست، که ما را محاکمه میکنند. برای همین جرم هاست، که دستور محکوم کردن ما را صادر کرده اند. این "جرم" ها، که رفیق نورالدین کیانوری، این بزرگمرد تاریخ میهن ما، آنها را در یازدها گاه شاه بر شمرد، با "جرم" هائی که او ۳۳ سال بعد در نامه سرگشاده کمیته مرکزی به دولت مردان جمهوری اسلامی نوشته است، تغییر ماهوی را نشان نمی دهند. رفیق کیانوری در نامه سرگشاده (اردیبهشت ۱۳۶۱) می نویسد: بقیه در صفحه ۴

## نورالدین کیانوری بزرگمرد تاریخ معاصر ایران

ولی چون پیش از رفتن به آلمان در درسهای شبانه دکتر تقی ارانی شرکت کرده بود، اداره سیاسی شهرستانی او را عنصر نامطلوب معرفی نمود که منجر به خلع درجه او و اعزامش به سربازخانه به عنوان سرباز ساده شد. پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ و از هم پاشیدن سربازخانه ها، او نیز به خانه بازگشت و چندی پس از آن استاد دانشکده معماری تهران گردید. یکسال پس از بنیان گذاری حزب توده ایران در ۱۰ مهر ۱۳۲۰ رفیق کیانوری نیز وارد این حزب پیشاهنگ پرولتاریا و دنبال کننده راه حزب کمونیست ایران شد. سه سال بعد او را به عنوان عضو کمیته مرکزی برگزیدند و در سال ۱۳۲۶ عضو هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران گردید. در سال ۱۳۲۷ پس از غیر قانونی اعلام شدن حزب توده ایران توسط حکومت دست نشانده شاه، رفیق کیانوری به همراه گروهی از رهبران و اعضای حزب به زندان افکنده شد. یک دادگاه نظامی او را محاکمه و به ده سال زندان محکوم کرد. رفیق کیانوری در دادگاه سخنان مفصلی پیرامون دوران بیست ساله حکومت رضاخانی ایراد کرد، که طی آن گفت: "حزب توده ایران و مبارزان آن افتخار دارند که بقیه در صفحه ۴

رفیق کیانوری در سال ۱۲۹۴ در شهرستان نور در مازندران زاده شده است. پدر او، یک دموکرات انقلابی و مبارزی فعال در انقلاب مشروطیت، شش ماه پیش از تولد او توسط یک ضد انقلابی در خیابان ترور شده بود. پس از پایان جنگ بین الملل اول، در سال ۱۲۹۸ مادر او همراه چهار فرزندش، یک دختر و سه پسر، به تهران بازگشت و با خیاطی و دیگر کارهای دستی توانست زندگی محقری را برای فرزندانش تامین کند تا از تحصیل محروم نشوند. رفیق کیانوری بر اثر حمایت مادر فدائکار و زحمتکش خویش و خواهر و دو برادر بزرگترش امکان یافت تحصیلات ابتدائی و متوسطه را با موفقیت بپایان برساند و چون از هوش سرشار ذاتی و پشتکار جدی برخوردار بود او را برای ادامه تحصیل به آلمان فرستادند. او در شهر آخن وارد رشته معماری شد. بهنگام تحصیل در آلمان او همچنین با آثار مارکس، انگلس، لنین و دیگر رهبران جنبش کارگری آشنا شد و تاثیر این آشنائیها بر دانشجوی جوان چنان بود که او را برای سراسر عمر به پیگار برای پیروزی توده، زحمتکش پای بند کرد. او در روزهای جنگ بین المللی دوم با عنوان دکتر در معماری به میهن بازگشت و برای گذراندن خدمت سربازی وارد دانشکده افسری گردید.

# نورالدین کیانوری بزرگمرد تاریخ معاصر ایران

بقیه از صفحه ۳

پهوسته حوادث دنیا و ایران را با منطق علمی خویش سنجیده، بر اساس مصالح ایران عزیز به اتخاذ تصمیم پردازخته و تا پای جان بر سر تصمیم خود ایستاده اند. سپس او به همراه دیگر رهبران زندانی به کمک هواداران حزب در ارتش و نیروهای انتظامی موفق به فرار از زندان گردید. او و دیگر رهبران حزب کار مخفی را آغاز نمودند. رژیم شاه وی را قیابا محکوم به اعدام کرد.

در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲، حزب نقش بسیار فعالی در مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران که منجر به ملی شدن صنایع نفت گسردید به عهده داشت. پس از کودتای خائنانه امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شاه و اربابان آمریکا و انگلیسی این تمام نیرو و امکانات خود را علیه حزب طبقه کارگر ایران که آنرا دشمن اصلی بشمار می آوردند بکار انداختند. بسیاری از رهبران و فعالین حزب قربانی موج ترورسم پس از کودتای سیا ساخته گردیدند. آنان یا در زیر شکنجه به شهادت رسیدند و یا به جوخه های اعدام سپرده شدند. در چنین شرایطی که امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی کمر بنا بودی حزب طبقه کارگر ایران بسته بودند برای تدوم امر مبارزه لازم بود که دو سال پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد عده ای از رفقای رهبری حزب به خارج از کشور عزیمت نمایند.

طی سالهای مهاجرت، رفیق کیانوری بویژه نقش بسیار با ارزشی را در سازمان دادن مبارزه علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه ایفا گسرد بسیاری دستاورد های مبارزه انقلابی علیه رژیم شاه، از جمله قوت گرفتن و فعال شدن هسته های حزبی در درون ایران و صحن ماندنشان از گزند ساوانل سیا و موساد ساخته شاه حاصل فعالیت شبانه روزی و راهنماییهای خردمندان اوست.

پس از انقلاب شوهمند مردمی و ضد امپریالیستی بهمن ماه رفیق کیانوری که دیگر دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران بود به میهن بازگشت و برای گسترش هرچه بیشتر فعالیت حزب در راه تثبیت و تحکیم انقلاب و پیاده گسردن شعارهای اصلی آن آزادی - استقلال - عدالت اجتماعی تمام انرژی، دانش و تجربیات سیاسی و سازمانی خود را در خدمت حزب و خلق گذاشت و تا بازداشت ناجوانمردانه خود لحظه ای از فعالیت در اجرای این اهداف بالا باز نایستاد.

کسانیکه با گفته ها و نوشته های او در این سالها آشنا شده اند بویژه پرسش و پاسخ ها و تحلیل های دقیق و روشنگرانه او را پیرامون حوادث کشور و توطئه های ارتجاعی - امپریالیستی علیه انقلاب شنیده و یا خوانده اند بخوبی می دانند که چرا ضد انقلاب در چهره او خطرناکترین دشمن و بزرگترین مانع رادرسراه تحقق نقشه پلیدش می دیده و به چه علت توسط عوامل نفوذش در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران این توطئه

# درو آتشین به رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۳

"جرم ما اینست که از دیرزمان راه انقلاب ایران را به درستی تشخیص داده ایم."

جرم ما اینست که دوستان و دشمنان انقلاب ایران را چه در درون میهن و چه در صحنه جهانی به درستی شناختیم و با روشنی و بیگیری بسر مواضعی که به آن صادقانه معتقد هستیم، ایستاده ایم.

جرم ما اینست که ماهیت لیبرال ها، امیران نظام ها، بنی صدر ها، قطب زاده ها، پازرگان ها، یزدی ها، ضباغیان ها، قاسمی ها و سنجایی ها را به عنوان امید و تکیه گاه امپریالیسم آمریکا، به موقع افشا کردیم.

جرم ما اینست که از سال ۱۳۵۲، بدون هراس از عواقب آن برای خودمان، شریحتمداری ها را به عنوان نیروی ضد انقلابی به مردم ایران معرفی کرده و از روحانیت مبارز و مسلمانان مبارز پیرو خط امام خمینی پشتیبانی کرده ایم.

جرم ما اینست که سرچشمه اساسی همه جریانات خائنانه و ضد انقلابی را، که همان نظام غارتگر کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی وابسته به امپریالیست، شناختیم و ماهیت خونخوارش را عریان ساختیم.

این هاست "جرم های سنگین و گذشت ناپذیر ما!"

این هاست علت اساسی عطر تسلی ناپذیر دشمنان حزب ما به خون توده ای ها!

این هاست علت اساسی تلاش جنون آمیزی که در ماههای اخیر برای پرونده سازی علیه حزب ما به راه افتاده و هر روز ابعاد گسترده تری به خود می گیرد!

آری، رفیق کیانوری با چنین مواضع روشن خلقی، بایک عمر پر بار در خدمت زحمتکشان میهن ما اکنون در زندانی است، که جمهوری اسلامی ایران زندانیان آن است و بار "جرم" هائی را به دوش می کشد، که به قول اعلامیه کمیته مرکزی حزب ما، "برنامه های تحول اجتماعی بسود زحمتکشان و دفاع از حقوق آنان" است. این برنامه ها، که "تاکتون کمونیستی" نامیده میشد و بنا به فرهنگ ننگین و پلیسی رژیم مغفور پهلوسی خود بخود، وبی محاکمه محکوم بود، از این پس علاوه بر آن "جاسوسی" هم تلقی می شود (همانجا).

این زندگیتامه مبارزه جوانه و زلال رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول حزب ما، نه فقط مایه فخر و مباهات هر توده ای است، نه فقط سرمایه نبرد ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی و خلقی مردم میهن ما برای تائین یک زندگی شرافتمند و پررومند است، بلکه ستاره درخشانی در صحنه نبرد نیروی نو و کهن نیز است!

بگذار زندانها از میهن پرستان انقلابی خالی و مزرعه ها، کارخانه ها و صحنه نبرد خلق متحد علیه دشمن امپریالیستی و ضد انقلابی از آنها پراشد!

ردیلان را طیه او به راه انداخته است. همه اعضا و هواداران حزب توده ایران، تمام زحمتکشان آگاه و مبارز ایران، سازمانها و گروهها پیشرو و انقلابی و همه آن مسلمانان مبارزی که طی این چهار سال شاهد خدمات پرارزش و بیدریغ حزب و دبیر اول کمیته مرکزی آن به انقلاب بوده اند به این بازداشت های قانون شکنانه اعتراض می کنند و آزادی فوری همه دستگیرشدگان و در درجه اول رفیق نورالدین کیانوری و رعایت اکیب آزادیهای سیاسی و اجتماعی پیشبیتی شده در قانون اساسی را که خونیهایش زحمتکشان انقلابی میهن عزیز ما ایران است طلب می کنند.

## احسان طبری دروغ، بهترین افزایستمگران

# لعن بر دروغ!

لعن بر دروغ!  
دروغ زوراندود، دروغ رهاکار، دروغ زورمند!  
دروغ راست نفا و گمراه ساز!  
دروغ مهجر به سکه و سرنیزه!

بگذار، از خود خرسند بگرد  
ولی ما دروی به خواری می نگریم  
بگذار آدمیان را آذین دازها کند  
ولی مایه خدلاش باورمندیم  
زیرا سنگ دلی او فرزند بیم اوست.

خجسته باد راستی!  
فروتن، بی پیرایه، پارسا!  
گنج نیروی حیرت انگیز  
که با تیغ معجز سینه شیرا می درد  
و خونها و اشکها آبدیده اش می سازد.

او را از تو سنانک پروالی نیست  
چون لفسوار کربلا در چنبره سپاه یزید  
چون سیاوش با کادمن در آتش خشم افراسیاب.

در کلمه بی رونق حرمات با حقیقت زیستن  
به که، فرعونیی بودن برادیکه دروغ  
بانباری از چابلوسان پای بوس.

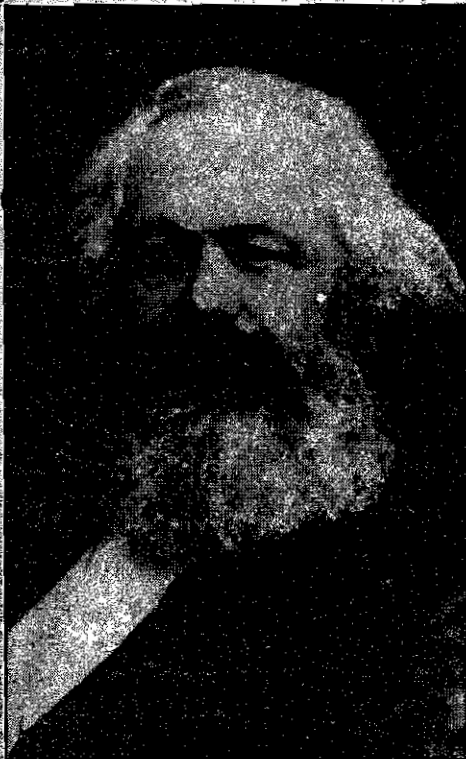
در پروزی باشکست با تو ایم ای حقیقت!  
زیرا شکست با تو فضیلت و فتح با تو عدالت است

وشما ای گروه یزدل که در چاهار دغرایزه خود  
زندانی هستید:

در مقابل هربادی سر فرود آورید!  
از عرق جامعه بهره گیری و بهره سر نوشت آن بی اعتنا  
باشید!

وشما ای معشرستمگرو که سر کوب غیظ آلود حقیقت  
رعز وجودی شماست  
از طلوع آن بهر اسید، زیرا طلوعی است تا زبور  
به تاگزیری با مبادی که از بطون شب  
و بهاری که از درون زمستان می شکند

# صد سال از درگذشت آموزگار کبیر پرولتاریای جهان می گذرد



و کمون پاریس و انقلاب سال ۱۸۴۸ در آلمان تاثیر بسزائی در تکامل اندیشه های مارکس برجای گذاشت مارکس در سال ۱۸۴۴ با فریدریش انگلس آشنا شد و بزودی دوستی عمیقی بین این دو بوجود آمد. مارکس و انگلس مستقل از هم به این نتیجه رسیدند بودند، که پرولتاریا زمانی میتواند بطور انسانی زندگی کند، که مناسبات سرمایه داری را براندازد و به جای آن نظامی عاری از بهره کشی مستقر سازد. آنها استقرار چنین نظامی را فقط نتیجه جانفشانی و شجاعت طبقه کارگر میدانستند، بلکه معتقد بودند که این طبقه باید به یک تئوری مدون علمی و یسک سازمان منسجم سیاسی نیز مجهز شود.

مارکس مسئله تحول جامعه سرمایه داری به جامعه نوین سوسیالیستی را در عین حال که یک مسئله سیاسی (حاکمیت) میدانست، یک مسئله اقتصادی (مالکیت) نیز ارزیابی مینمود. او متذکر میشد که مزد و سود بطور عینی و بدون مداخله کسی (و از جمله خواست خونگزارگان) در نقطه مقابل هم قرار دارند و تنها تصرف قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و جانشین کردن مالکیت اجتماعی بجای مالکیت خصوصی سرمایه داران بر وسائل تولید چنین تقابلی را از بین خواهد برد.

مارکس و انگلس با نبوغ خود آموزش سوسیالیسم علمی را بنیاد نهادند و دها اثر ارزشمند بعنوان آثبه معنوی خود برجای گذاشتند، که بعدها توسط نشین در شرایط نوین تاریخی بسط یافت و در مجموع خود مارکسیسم-لنینیسم یعنی جهان بینی انقلابی و علمی عصر ما را خلق کرد.

مارکس میگفت: "فلاسفه تنها به صور گوناگون جهان را توضیح داده اند، ولی مسئله بر سر تغییر جهان است."

۱۴ مارس ۱۹۸۳ مصادف است با صدمین سالروز درگذشت کارل مارکس آموزگار کبیر پرولتاریای جهان و بنیانگذار سوسیالیسم علمی.

کارل هاینریش مارکس در ماه مه ۱۸۱۸ در شهر "تریر" آلمان در خانواده یک حقوقدان مترقی متولد شد. او پس از پایان دوره دبیرستان در سن ۱۷ سالگی، به درخواست پدرش در رشته حقوق دانشگاه بن به تحصیل پرداخت. مارکس که از استعداد خارق العاده ای برخوردار بود، در سنین جوانی با زحمات شبانه روزی به فراگیری فلسفه و تاریخ پرداخت. او پس از اخذ دکترای فلسفه از دانشگاه "ینا" خیال داشت در دانشگاه به تدریس بپردازد ولی مناسبات ارتجاعی موجود و سانسور وحشتناکی که برای جلوگیری از گسترش اندیشه های مترقی از طرف طبقه حاکمه بر جامعه تحمیل شده بود، او را مجبور کرد از این فکر دست بردارد.

مارکس بخاطر داشتن معلومات وسیع، شجاعست و بصراحت در بیان مطلب و قدرت استادانه در زمینه نویسندگی، از طرف روزنامه مترقی "راینیشه شتایتونگ" به همکاری دعوت شد و خیلی زود با نوشتن مقالات آتشین در دفاع از محرومین و توده های خلق، به مقام سردبیری روزنامه رسید.

بوزواری وحشت زده پروس فوراً بسراغ این روزنامه آمد و آنرا غیرقانونی اعلام کرد. مناسبات ارتجاعی حاکم که امکان ابراز عقاید را سلب کرده بود، مارکس را مجبور به جلائی وطن نمود. مارکس به فرانسه رفت و در آنجا علاوه بر مطالعه پیگیری آثار سوسیالیستهای پندارگرا و اقتصاد دانان و فلاسفه کلاسیک عصر خود، با جنبشهای زیرزمینی مترقی هم تماس برقرار نمود. مبارزات طبقه کارگر فرانسه

آری مسئله بر سر تغییر جهان بود. و بهین دلیل مارکسیسم بسرعت به ابزار پرتوان دگرگون ساختن جهان بدل شد و قلوب و عقول نیروهای انقلابی جهان را تصرف کرد. آموزش مارکسیسم-لنینیسم ابدأ پندار و رویا نیست، پابرسی تاریخ در سیر د راز مدت آن میتوان فهمید که چگونه از آخر شعله بر میخیزد، چگونه از کتاب کوچک مانیفست که در سال ۱۸۴۸ توسط مارکس و انگلس نگاشته شد جنبش عظیم انقلابی عصر ما پدید آمد و چگونه از خاکستر یک روسیه فقیر پس از جنگ داخلی سال ۱۹۲۱ و جنگ جهانی دوم، اتحاد شوروی مقتدر در وران ما قد علم کرد.

روزه های سرمایه داری و ارتجاع جهانی در قبال این آموزش کبیر که قدرتش در علویت پیگیر آشت حقیق و ناچیز است، تاریخ عصر ما روایتگر سیر ظفر نمون این اندیشه انقلابیست، که دشمن هرگونه جزم گراستی و خشک مغزی است و ذخیره مقولات، احکام و استنتاجات خود را بی وقفه از گنجینه نیرو انقلابی خلقها و سیر جوشان علوم طبیعی و اجتماعی عصر ما سرشارتر میکنند.

آری در جهان بینی مارکسیستی یک سخن هم رویا بافانه بمعنای جدا از واقعیت تاریخی وجود ندارد. هم اکنون وجود سوسیالیسم واقعی غوغائی در تاریخ برپا کرده و افق پدید آورده که بیسابقه است. بیای این حال آینده پیش از گذشته شاهد تحقق علمی این پیروزی جهانشمول خواهد بود.

حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، که مارکسیسم-لنینیسم جهان بینی انقلابی پرولتاریا را بر پرچم خویش نوشته است، همیشه آنرا بمثابة قطب نمای آزموه های در سمت پایب اجتماعی-تاریخی بکار برده است.

افتخار بر کارل مارکس داهی بزرگی که آغازگر این شاهراه شگرف اندیشه و عمل انقلابیست و اکنون پس از سپری شدن یک قرن از سالروز درگذشتش جوانتر و پرخون تر از همیشه میزند. درود بر انسانهایی که زیر درفش ظفر نمون علمی و انقلابی مارکسیسم-لنینیسم، در راه رهایی کار از بردگی مزدوری و نجات خلقها از ستم بیگار میکنند!

## سیاست آشنا

انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران برچید. شه ن پایگاههای آمریکائی دو چندان شد ماست. اما پس از پیروزی سوسیالیستها و عیوما تقویست نیروهای چپ پس از انتخابات اخیر ادامه وجود همین پایگاهها به خطر افتاده است. مردم همراه نیروهای مترقی کشور و در رأس آنها حزب کمونیست یونان خواستار برچیده شدن این پایگاهها و خروج یونان از پیمان تجاوزکار ناتو هستند و خواست خود را طی تظاهرات و میتینگهای متعدد به گوش دولت و جهانیان رسانده اند. دولت پانانده رتو که سیاست چندان پیگیری در این رابطه علیه قوتلهای پیش از انتخابات، ندارد از آمریکا خواست تا پیشنهاد آتی برای اشکال ادامه کار پایگاهها ارائه دهد و موعدی نیز برای آن مقرر کرد. و نیز تهدید کرد که اگر این کار انجام نگیرد مذاکرات را قطع کرده و تصمیم خود را خواهد گرفت. و درست اینجاست که دیپلماتاس قاسمی بقیه در صفحه ۱۲

اخیرا نشریه هندی "پاتریوت" سند سوری را فاش ساخت که طبق آن آمریکا لزوم انجام عملیات خرابکارانه علیه هر جریان پاکسوری که سیاست ضد آمریکائی دنبال میکند، و یاد در حال در پیش گرفتن چنین سیاستی است را یکی از وظایف مهم استراتژیک خود قرار داده است. (را تود ۲۷ شماره ۲۷)

یکی از کشورهایی که در حال پیش گرفتن موضع ضد آمریکائی است و دولت آن دیگر نمیخواهد انجام دهند، دستورات رسیده از واشنگتن و بروکسل (مرکز ناتو) باشد یونان است. چنان که میدانیم حزب سوسیالیست این کشور با پیروزی در انتخابات، دولت این کشور را تشکیل داده است. یونان عضو ناتو است و از اهمیت خاصی برای آمریکا و ناتو بعنوان جبهه جنوبی آن برخوردار است. اهمیت استراتژیک این کشور بعنوان پایگاه هوایی و دریایی برای عملیات در خاور نزدیک و میانه پس از پیروزی

# اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

## درباره بازداشت غیرقانونی گروهی از رهبران حزب و پی آمدهای خطرناک سیاسی آن

بقیه از صفحه ۱

بازداشت غیرقانونی رهبران حزب، وارد آوردن اتهامات بی اساس به آنان و تهدید آشکار حزب و همه دگراندیشان، امری اختصاصاً مربوط به حزب توده، ایران نیست، امری است مربوط به سرنوشت انقلاب و در جهت تحکیم مواضع مالکان و سرمایه داران بزرگ در حکومت. چنانکه میدانیم، نبرد میان دوگرایش، در چهار سال پس از پیروزی همواره وجود داشته و انقلاب باز فراز و نشیب های بسیار گذشته است. اما در این چهار سال آنچه مدام سیر صعودی داشت درآمد غارتگرانه سرمایه داران بزرگ تجاری و مالکان بزرگ زمینهای مزرهائی و مینغلات شهری بوده که درست پس از پیروزی انقلاب با سوء استفاده از دشواریهای ناشی از محاصره اقتصادی و جنگ و پی برنامگی دولت سودهای غیر قابل تصویری کسب کرده و مواضع خود را در اقتصاد کشور مدام تحکیم و تقویت کردند. آنها موفق شدند همه نیروهای ضد جمهوری اسلامی را از حقیقه گرفته تا ساواک، از قشری گرفته تا لیبرال، حول محور بازار متمرکز و متشکل کنند و در برابر خط مردمی انقلاب سنگر بگیرند.

گرایش مدافع سرمایه، طی چهار سال گذشته و بویژه در یکسال اخیر علاوه بر تقویت مواضع اقتصادی بازار، موفق شد در سیاست خارجی کشور مواضع مهمی را اشغال کند.

درست است که شعار "مرگ بر آمریکا" هنوز از میان نرفته ولی عملاً بخش اعظم بازرگانی خارجی و اصولاً مناسبات خارجی ایران به کشورهای امپریالیستی اختصاص دارد که آمریکا هم بطور مستقیم و غیر مستقیم جای مهمی در آن اشغال می کند. با وجودیکه در چهار سال پس از انقلاب، محافل امپریالیستی لحظهای از توطئه و تحریک علیه انقلاب ایران باز نایستاده و حتی از دخالت نظامی و تهدید آشکار به تکرار وسیع تر آن نیز احتراز نکردند و نمی کنند، گرایش راست، موفق شد بهترین مناسبات واقعی و خارج از تعارف را با آنها و کشورهای وابسته به آنها از نسوع ترکیه و پاکستان حفظ کند و گسترش دهد و در عوض مناسبات با کشورهای پیشرویی چون لیبی، سوریه و الجزایر، را در حد تعارف نگاه دارد و هر چند گاه تیره سازد.

سیاست نه شرقی نه غربی که میتوانست به معنای عدم تعهد و استقلال طلبی تعبیر شود از طرف راستگرایان و عمال امپریالیسم به صورت سیاست ضد شوروی و ضد کشورهای سوسیالیستی تعبیر شد و تا به آنجا رسید که اگر کشورهای امپریالیستی علیه ایران توطئه می کنند، مناسبات خود را با ایران تیره می سازند، اینان برای "حفظ توازن" سیاست حادته سازی و تیره کردن مناسبات با کشورهای سوسیالیستی را تشدید می کنند.

البته این گرایش راست طی چهار سال گذشته با مقاومت جدی نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی در حاکمیت و پیرامون آن روبه رو بوده است و گرچه گرایش انقلابی توانسته است در مقاطعی گامهای پیروزنده انعاشی به پیش بردارد، اما متأسفانه بواسطه ناپیگیری و معاشات در مقابله با نیروهای راست گرای مدافع کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، نتوانسته است اقدامات قاطع و بنیادی بسود محرومان - که شرط ناگزیر پیروزی انقلاب است - انجام دهد و در برابر فشار و شانتساز امپریالیسم و محافل راستگرا گام به گام عقب نشسته است.

در آستانه پنجمین سال پیروزی، انقلاب ایران وارد مرحله خطرناک و سرنوشت سازی شد. چهار سال پس از پیروزی دیگر ممکن نبود که مسائل اساسی اجتماعی معلق بماند و تکلیف سیاست داخلی و خراب رجی کشور روشن نشود. مسائل اساسی چون: زمین، قانون کسار،

بازرگانی خارجی، جای سرمایه های بزرگ (به اصطلاح بخش خصوصی) در صنایع و بازرگانی، مسکن و مالک و مستاجر آزادی مطبوعات معنای واقعی سیاست نه شرقی، نه غربی و مسائل بنیادی دیگری از این نوع در دستور روز قرار گرفت و فیابست حل شود. در این جا بود که افراطیون راستگرا با جمع آوری همه نیروهای ارتجاعی و با کمک همجانبه امپریالیسم هجوم آشکار خود را آغاز کرده و مواضع مهمی را در اقتصاد و سیاست کشور بدست آوردند. طبیعی است که آنان بهمین حدود بسنده نخواهند کرد و تا وقتی که حاکمیت بلامنازهی بدست نیابند از پای نخواهند نشست. ملاکین و سرمایه داران درباری و فراری نیز که با تضمین و تامین به کشور باز می گردند، به پس گرفتن اموال غارتی اکتفا نخواهند کرد و جای گرمی در حکومت خواهند خواست.

هجوم به حزب توده، ایران که قاضی ترین مدافع حقوق و زحمتکشان است درست در همین رابطه انجام می گیرد. حزب توده ایران برای تحویل بنیادی اجتماعی برنامه روشن و علمی دارد و از مدتها پیش تاکید کرده است که سرنوشت انقلاب در گرو حل مسائل اجتماعی است. حزب توده، ایران برای واگذاری زمین به دهقانان و افزایش سریع تولیدات کشاورزی، برای صنعتی کردن کشور و تامین استقلال اقتصادی کشور، برای قانون کار انقلابی و تامین حقوق طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، برای ملی کردن بازرگانی خارجی، برای تامین مسکن توده های محروم شهر و ده، برای گسترش تعاونی ها و توزیع عادلانه داخلی، برای تامین آزادی مطبوعات و احزاب انقلابی برای اجرای یک سیاست خارجی ملی، مستقل و انقلابی - و در یک کلمه برای زرفش و گسترش انقلاب و رفع دشواریهای آن - برنامه ها و طرح های روشن و قابل اجرایی داشته که آنها را برای اطلاع عموم منتشر کرده است.

### همه این برنامه ها در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و منطبق با نص صریح و روح آن بوده است.

مدافعان مالکیت های بزرگ و سرمایه های کلان، که دشمن انقلاب، جمهوری اسلامی و قانون اساسی آنند، با تمام این برنامه ها مخالفند و اینکه که مسائل اساسی اجتماعی در دستور روز قرار گرفته و برنامه های حزب توده، ایران بعنوان بهترین راه حل انقلابی نظر توده های وسیع را بخود جلب می کند، راستگرایان افراطی تنها راه مقابله با آنرا در اعمال فشار و ایجاد شرایط اختناق می جویند.

لحظهای که برای هجوم به حزب توده، ایران انتخاب شده، لحظه حساسی است، از یکسو کشور، با دشواریهای اقتصادی و اجتماعی جدیدی روبروست، گرانی پیدا می کند، توده های ستمکش از تامین حداقل زندگی عاجز ماندند و دولت موظف است که به نیاز آنها بهر صورت پاسخی بدهد. از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا و متحدینش در داخل و خارج فشار به جمهوری اسلامی ایران را به حداکثر رسانده و دخالت نظامی مستقیم را تدارک دید ماند.

متأسفانه جنگ تجاوز کارانه عراق علیه ایران نیز با کمک امپریالیسم به حالت فرساینده ای در آمده و بخش بزرگی از نه وهای انقلابی را در جبهه ها مبار کرده و تحلیل می برد.

در چنین لحظهای است که راستگرایان افراطی و مدافعان سرمایه و مالکیت های بزرگ هجوم به حزب توده، ایران را بعنوان "راه حل" مشکلات تجویز کرده اند. تا با حادته سازی و ایجاد محیط رعب و خفقان، نیروهای مردمی و ضد امپریالیست و مدافعان توده های

# اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۶

محروم را قلع کنند و زمینه را برای وارد آوردن ضربه نهائی فراهم آورند.

۱- حساب محافل ارتجاعی و راستگرا از هجوم به حزب توده ایران و متهم کردن آن به اتهامات ناروا اینست:

۱- تخم نفاق، بدگمانی و بی اعتمادی میان نیروهای انقلابی پاشیده می شود و اتحاد عمل آنان در دفاع از انقلاب و جمهوری تا حد غیر ممکن دشوار می شود و جمهوری یلاد قلع میماند.

۲- دفاع از برنامه های تحول اجتماعی بسود زحمتکشان و دفاع از حقوق آنان جرم تلقی میشود. تا کنون این برنامه ها "کمونیستی" نامیده می شود و بنا به فرهنگ ننگین و پلیسی رژیم مغفور پهلوی خود بخود بی محاکمه محکوم بود، از این پس علاوه بر آن "جاسوسی" هم تلقی می شود.

۳- به اعتبار جمهوری اسلامی در ایران و جهان ضربه سنگین وارد میشود و این جمهوری در مجموع خود تضعیف می گردد.

۴- مربوط کردن بازداشت رهبران حزب با اتهام زشت و بی اساس "جاسوسی" پای کشورهای سوسیالیستی را هم به میان می کشد و بسا یک حادثه سازی و خرابکاری عمدی مناسبات ایران و کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی را تیره میسازد و دست امپریالیست ها را در اعمال فشار به ایران باز می گذارد.

۵- آخرین و مهمترین هدف طراحان واقعی و پشت پرده هجوم به حزب توده ایران - صرف نظر از اینکه مجریان این طرح چه کسانی و با چه نیتی باشند - ایجاد بی ثباتی در کشور و زمینه چینی برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است.

در چهار ساله پس از پیروزی، ایجاد و حفظ بی ثباتی در کشور، یکی از ارکان سیاست امپریالیسم و عمال آن بوده است. در این سالها طرح توطئه های کودتائی، بمب گذاری، ترور، حمله به دفاتر حزب و روزنامه ها، به آتش کشیدن کتابفروشی ها، جلوگیری از گشایش دانشگاهها، پنهان کردن حجاب و منکرات و غیره برای ایجاد محیط تشنج در کشور و بالاخره مدخله نظامی در طبرس و حمله خائشانه رژیم عراق به کشور - یکی پس از دیگری تدارک شده و به صحنه آمده تا جمهوری اسلامی ایران امکان تثبیت و استحکام پیدا نکند و هر روز با حادثه های روبرو باشد.

در دوران پس از پیروزی انقلاب، "سیا" و سایر سازمانهای جاسوسی امپریالیستی برای نفاق افکنی، ایجاد سوء تفاهم و بجان هم انداختن گروههای سیاسی، هیچ فرصتی را از دست نداده و از کسوف چکترین اشتباه سازمانها و جریانهای سیاسی، برای درگیر کردن جمهوری اسلامی ایران با آنها بهره جستند.

در باره "حزب توده" ایران که کمترین نقطه ضعفی نداشته و ندارد، محافل راستگرا طریق پروننده سازی آشکار را پیش گرفته اند.

## همه میهنان، کارگران و زحمتکشان ایران

در تمام دوران چهار ساله پس از پیروزی انقلاب، سیاست حزب توده ایران درست نقطه مقابل سیاست محافل ارتجاعی وابسته به امپریالیسم و نمایندگان قشری، لیبرال، مالکان و سرمایه داران بزرگ بوده است. ما بر خلاف آنها، هرگز راه نفاق ترفیقه، معتقدات خود را از کسی پنهان نکردیم و بر اساس مواضع روشن سیاسی - ایدئولوژیک خود، از خصمیت ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب دفاع کردیم و تا پایان دفاع خواهیم کرد.

ما در این چهار سال از هر گام مثبت جمهوری اسلامی ایران حمایت کردیم و هر اقدام نادرست و ناقص را دلسوزانه و با صراحت مورد انتقاد قرار دادیم.

در تمام این سالها که سیاست امپریالیست ها و عمال رنگارنگ

آنها - در اتحاد با خادمان سرمایه های بزرگ - توطئه گری، خرابکاری و ایجاد تزلزل بوده، ما تمام نیرو و توان خود را در راه خنثی کردن توطئه های امپریالیسم و تثبیت جمهوری اسلامی ایران صرف کردیم و کوشیدیم که با گرد آوری همه نیروهای انقلابی در صف واحد، انقلاب را بسود زحمتکشان پیش برانیم و استقلال واقعی کشور را تامین کنیم.

ما با آنچه در توان داشتیم کوشیدیم تا جامعه حالت آرامش متکی به قانون داشته باشد. شرکت فعال ما در رفرا ندوم و انتخابات ارگاس نهایی دولتی جمهوری اسلامی، مشارکت فعال ما در نظر خواهی مجلس خیرگان تدوین کننده قانون اساسی، دفاع از نص و روح مردمی این قانون، پذیرش اعلامیه ده ماده ای دادستانی انقلاب در باره فعالیت قانونی احزاب از طرف ما، شرکت فعال در مناظره تلویزیونی و اعلام صریح نظریات حزب، برهمگان روشن است. ما ضمن اعلام صریح انتقاد های خود قبل از همه احزاب آماجگی خود را برای فعالیت در چارچوب قانون احزاب صوب مجلس اعلام داشته و از دو سال پیش تمام مدارک خود را به وزارت کشور دادیم و تمام مراحل قانونی را - تا جائیکه بما مربوط بود - طی کردیم و از جمله بنا به اصرار و تأکید مقامات رسمی وزارت کشور، فهرست کامل اعضای رهبری و مشخصات و آدرس کامل آنان را به آن وزارت خانه دادیم. و بسیار متأسفیم که این مشخصات در بازداشت رهبران حزب ما مسود سوء استفاده قرار گرفته و به اعتبار و امانت مقامات جمهوری اسلامی ایران لطمه جبران ناپذیری وارد کرده است.

متأسفانه کوشش های مداوم، سالم و سازنده "حزب توده" ایران در جهت استقرار و تحکیم حاکمیت قانون، اثر مطلوب نداده و در سیاست سنت حاکمیت ایران کسانی دست بالا را گرفته اند که نقض قانون و سرکوب دگراندیشان و حتی پرونده سازیهای زشت را راه حل دشواریهای خود و وسیله رسیدن به هدفهای خویش میدانند. و خواسته یا ناخواسته راه را برای بازگشت رژیم مستبد و وابسته هموار می کنند.

در چنین شرایطی وظیفه پرافتخار و سنگین دفاع از دستاوردهای انقلاب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیش از پیش به وظیفه عاجل نیروهای صدیق انقلابی و قبل از همه اعضا و هواداران حزب ما بدل میشود.

با وجود موفقیت نسبی که نیروهای مرتجع و راستگرا کسب کرده اند، انقلاب ایران هنوز نیروی عظیمی دارد. امام خمینی و پیروان خط اصلی ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب، در گذشته پاره ها به یاری توده ها، دشواریها را پشت سر گذاشته اند و یا اینکه این بار اوضاع بعراضب خطرناک تر از هر موقع دیگر است، هنوز همه امیدها قطع نشد و می توان و باید از انقلاب دفاع کرد و دستاوردهای آنرا حفظ نمود.

مشی انقلابی حزب توده ایران که متکی بر سنگ خارائی از تئوری علمی و انقلابی است، در این چهار سال درستی خود را بطور کامل به ثبوت رسانید. موافق این مشی اتحاد همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی و از جمله و بویژه انقلابیون مذهبی با پایگاه مردمی و هواداران سوسیالیسم علمی در این انقلاب ممکن و ضروریست.

محافل امپریالیستی به اهمیت و ارزش این مشی انقلابی و برد تاریخی آن واقفند و بهر وسیله ممکن از تحقق آن جلوگیری می کنند. این محافل پس از بازداشت رهبران حزب توده ایران از یکسو میکوشند که این اقدام را تا حد یک هجوم عمومی علیه دموکراسی گسترش دهند و از سوی دیگر مشی حزب را زیر علامت سؤال میگذرانند آنها شایع می کنند که گویا مشی حزب شکست خورده و تغییر کرده و گویا توده های هاراه دیگری در پیش گرفته اند.

در حالیکه حوادث اخیر نه فقط درستی مشی حزب ما و ضرورت پیشبرد پیگیر آنرا اثبات کرده، بلکه بویژه امکانات بیشتری برای تحقق آن در پائین، در میان توده ها - فراهم آورده است. در این لحظات حساس توده ها تجربه می اندوزند و از حوادث می آموزند، این لحظظات سرنوشت ساز برای نمایندگان توده های محروم نیز تجربه ساز و پندآموز بقیه در صفحه ۸

# اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

## درباره بازداشت غیرقانونی گروهی از رهبران حزب و پی آمدهای خطرناک سیاسی آن

بقیه از صفحه ۷

امروز بجای مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آب به آسیاب آن بریزند، فردا دیر خواهد بود.

ما بطور جدی به بازداشت رهبران حزب توده ایران و دبیر اول آن رفیق نورالدین کیانوری شدیدا اعتراض کرده و اتهامات زشت و بی‌اساسی را که به آنان وارد کرده‌اند، صریحا و کاملا مردود می‌دانیم. ما از مقامات جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم که هر چه زودتر و بی‌تأخیر و شرط این هزارین صدیق و انقلابیون برجسته و خادمان پیگیر منافع زحمتکشان را آزاد کرده و این ننگ را از دامن این جمهوری بزد آیند که زندانبانان بهترین مدافعین جمهوری اسلامی است.

ما، بنا به مشی اصولی خود، در این لحظات سرنوشت ساز، همه نیروهای اصیل انقلابی را به اتحاد در برابر امپریالیسم و به همکاری برای ایجاد محیط آرام و باثبات سیاسی در کشور، به گسترش و تعمیق انقلاب بسود زحمتکشان و محرومان دعوت می‌کنیم.

بگذار زندانها از میهن پرستان انقلابی خالی و مزرعه‌ها و کارخانه‌ها پر باشد!

بگذار همه با هم در برابر توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع یسد واحد باشیم و بجای حادثه سازی و ایجاد تشنج عمومی، همه با هم به کسار سازنده بپردازیم و انقلاب را تحکیم بخشیم.

است. باید به این بیداری و تجربه اندوزی یاری رساند و جبهه متحد نیروهای انقلابی را در همه سطوح و بویژه در میان توده‌ها پایه‌گذاری کرد. نشان داد که مشی حزب توده ایران برخلاف مشی دشمنان انقلاب، فرصت طلبانه نیست، استوار و بی‌گیر است و تا پیروزی نهایی انقلاب ادامه خواهد یافت.

بدون تردید، اعضا و هواداران حزب متاد ر وضع بسیار دشوار و پخته‌تری قرار دارند. آنها از دشمن دانا و دوست نادان ضربه می‌خورند و در معرض انواع فشارها و تهدیدها هستند، اما این سرنوشت افتخارآمیز را خود، آگاهانه و داوطلبانه بزرگید هاند و بدون تردید راه اتراشی‌ها و روزیته‌ها را با گامهای اسوارتری خواهند پیروز و دستجات درخشان نویی بر تاریخ پز افتخار حزب توده‌های ما خواهند افزود.

در پایان، در این لحظات حساس و سرنوشت ساز، همه مقامات رسمی، احمد سازمانها، احزاب و گروههای سیاسی و همه کسانی را که به پیروزی انقلاب علاقمندند، به احساس مسئولیت دعوت می‌کنیم - بگذار مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران بخود آیند و از یاد نبرند که در برابر تاریخ و در برابر نسل معاصر انقلابی ایران مسئولند و اگر

- زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی
- برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی ایران
- درود آتشین به زندانیان توده‌ای
- درود آتشین به رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران

### کمیته مرکزی حزب توده ایران

۶۱/۱۱/۲۷

## بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران در شیکاگو

بقیه از صفحه ۹

بعلاوه آنها با جناح محافظه کار روحانیون که اهرمهای قدرت سیاسی را در دست دارند در ارتباطند. البته اینها همه خطر خیانت به مردم ایران، و بازگشت ایران به دوران وابستگی نواستعماری ماقبل بهمن ۱۳۵۷ را در بر دارد بازگشتی که در صورت وقوع، نتایج دشتباری برای مردم ایران خواهد داشت.

تنها راه خروج از این بن بست اینست که، نیروهای مردمی شامل سازمانهای دگرگتیک چپ و میلیونها مسلمان مؤمن و رهبران آنها، که به مردم نزدیک اند، موفق شوند به یک پلانم مشترک برای اتحاد عمل دست یابند تا بتوانند خواستهای توده‌های از خود گذشته را برآورد و سازند، و انقلاب ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی ایران را بسمت آزادی و عدالت اجتماعی سوق دهند.

در این رابطه، حزب ما بویژه نگران

بر علیه افغاننبتان اشغال دارند و قصد دارند ایران را نیز بدرون این چاه بکشانند.

آمریکا اکنون خود را برای مرحله بعد از (امام) خمینی آماده میکند. امپریالیستها اکنون تماس بسیار نزدیک با نیروهای مسلمان راستگرا در ایران دارند و بانها پشتیبانی می‌دهند. تجارت بین ایران و آمریکا، بدون سرودا، افزایش یافته است. رهبران آمریکا بنظر میرسد ایران را کاملا فراموش کرده‌اند. البته این سکوتی است که از آن بوی خشونت می‌آید. آنها روی همکاری برخی عناصر سطح نظامی، که اکنون بر اثر ادامه جنگ تقویت شده‌اند، حساب میکنند و آنرا گسترش میدهند.

کاملا برعکس، با تمام اهمیتی که اشغال لبنان برای امپریالیسم آمریکا داشت، ایران از آنهاست برایش مهمتر است. (امپریالیسم آمریکا نه تنها در پی کنترل منافع نفتی منطقه است، بلکه ضد دارد این منطقه را نیز مانند اروپا به صحنه تشدید خصومت و تنش فزاینی تبدیل کرد. وی برای اینکار اکنون بنحو اجسن از جنگ ایران و عراق که، بقیمت گزاف جانی و مالی برای هر دو کشور تمام میشود و نیروی آنها را برای مقابله بنا فشارهای امپریالیسم کاهش میدهد، استفاده مینماید. آمریکا و پاکستان و بکمک عربستان سعودی اکنون بکار تشدید جنگ اعلام نشده.

بقیه در صفحه ۲



# بزرگداشت چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران در شیکاگو

بقیه از صفحه ۱

آمریکا"، "انجمن دولتی آمریکا و شوروی"، "اتحادیه ملی طبعه اختناق نژادی و اقتصادی"، "جبهه ملی ضد امپریالیستی در دفاع از خلق های جنوب آفریقا"، "حزب سوسیالیست پور - توریگو"، "هواداران جبهه د مکرانیک فارابوند - ومارتی السالوادور در شیکاگو"، "خانه نیکارا - گوئه" و "اتحادیه بین المللی زنان برای صلح و آزادی" در شیکاگو و چندین سازمان معتبر ضد امپریالیستی و خلقی دیگر مورد پشتیبانی قرار گرفت. هواداران انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران با پیام های وحدت پشتیبانی خود را از انقلاب ایران اعلام داشتند.

بخش اول برنامه جشن به ارائه تحلیل از اوضاع و تضاد های کنونی انقلاب ایران اختصاص یافته بود. در ابتدا نماینده هواداران حزب سوده ایران و فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن تحلیل شرایط داخلی ایران، به عواملی که به دستگیری رهبران و مسئولین حزب سوده ایران، بویژه رفیق کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوده ایران انجامیده پرداخت. وی از جمله گفت:

"هواداران حزب سوده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، و همچنین سایر مدافعین انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران، پنجمین سال انقلاب شکوهمند مردم ایران را از سوئی یا شادی و از سوئی دیگر با نگرانی آغاز میکنند. شادی از این جهت که انقلاب ما علیرغم تمام کاستی ها، دستاورد ها و پیروزی هائی بس عظیم بدست آورده و سطح آگاهی و مبارزه سیاسی را به مرحله ای بالاتر ارتقا داده است. و نگرانی از این بابت که کمبود های موجود انقلاب را بطور فزاینده ای در مقابل خطرات راستگرایان و توطئه های امپریالیسم و ضد انقلاب صدمه پذیر کرده است. در آغاز پنجمین سال انقلاب، نگرانی هواداران حزب سوده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

و سایر هواداران راستین انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران متوجه خطر توطئه گسترده ای است که امپریالیسم و ضد انقلاب جهانی علیه انقلاب ایران طرح ریزی کرده اند، توطئه ای که اکنون بدست نیروهای راستگرا و واپس گسرای داخلی تحت عنوان "اسلام" شکل میگیرد و اجرا میشود.

وی در پشتیبانی از مبارزات مردم آمریکا بر علیه سلطه انحصارات، که اخیراً با انتخاب شهردار سیاه پوست و خلقی در شهر شیکاگو به موفقیت تازه ای دست یافته است گفت: در عین حال مجدداً پشتیبانی خود را از مبارزات مردم آمریکا بر علیه سیاست های ریگان و انحصارات ضد بشری اعلام میداریم. وی خواستار تشدید مبارزه علیه سیاست جنگ طلبانه ریگان شد و گفت: "باید دست در دست هم، بسا کوشش هر چه بیشتر، برای خنثی کردن تلاش دولت ریگان برای تجدید حیات جنگ سرد، تنش فزائی، نابودی همزیستی مسالمت آمیز، و عملیات تجاوزگران بر علیه جنبش های رهایی بخش در سراسر جهان فعالیت کنیم". سخنران سخنان خود را با شعار "در و دبیر کمیته مرکزی قهرمان حزب سوده ایران" پایان داد.

اشاره کرد و گفت: "کمی پیش از چهار سال پیش، مردم قهرمان ایران به پیروی از شم انقلابی خود، انقلاب د مکرانیک، ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی خود را به پیروزی رساندند. سقوط رژیم فاشیست شاه امپریالیسم آمریکا را دچار تشنج کرد. امپریالیسم آمریکا مانند سگی هار به نشان دادن دندانهای خود پرداخت. اما کمونیست های آمریکا و دیگر آمریکائیان مترقی به این انقلاب بزرگ خوشامد گفتند. گناس هیال، دبیر کل حزب ما در آن موقع گفت: "بالاخره دولت آمریکا مجبور شده است که با واقعیت انقلاب بزرگ ملی و د مکرانیک ایران روبرو شود. مشکلات داخلی آن هر چه باشد، اکنون ایران کشوری است مستقل که دیگر تحت سلطه نظام شکنجه گر شاه و ساواک - این سازمان خون آشام تربیت شده، "سیا" قرار ندارد. ایران اکنون کشوری است که دیگر شاهی بحدود نخواهد دید و دیگر به زاندارمی منطقه و خدمت به منافع انحصارات خارجی تن در نخواهد داد. مردمی چون مردم ایران، که از میانشان هزاران نفر کارگر زحمتکش شانه به شانه بلشویک ها برای پیروزی انقلاب کبیر اکتبر مبارزه کردند، و این چیزی است که ما کمونیست ها هرگز فراموش نخواهیم کرد." برای چنین مردمی، انقلابی بودن اجتناب ناپذیر است.

"ترددی نیست که در اثر انقلاب ایران، یک پروسه تجدید آرامش نیروها در سطحی بسیار عمیق در خاور میانه آغاز شده همانطور که

## گس هال: علیرغم هر مشکلی که در آینده برای مردم ایران بوجود آید و نتیجه نبرد کنونی در ایران هر چه باشد، حزب کمونیست آمریکا در کنار مردم ایران خواهد ایستاد!

(امام) خمینی گفته است نبرد "کوخ نشینان" بر علیه "کاخ نشینان" آغاز شده است. اما اینکه دولت آمریکا در این مورد هیچ چیز نمی گوید، نباید خلل بر قیام انقلاب ایران و بسا بی تفاوتی آن نسبت به کشوری که روزی یکی از مهمترین پایگاه های استراتژیک آن بوده، بشود. بقیه در صفحه ۸

سپس سخنران اصلی جلسه، رفیق "لوتیس دینسکین"، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا و رئیس کمیسیون آموزش حزب سخنرانی خود را آغاز کرد. وی پس از ارائه تحلیل دقیق از سیاست های تجاوز کارانه آمریکا در خاور میانه، خلیج فارس و اقیانوس هند، به توطئه امپریالیسم آمریکا بر علیه انقلاب مردم ایران



جشن چهارمین سالگرد انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران در آلمان فدرال

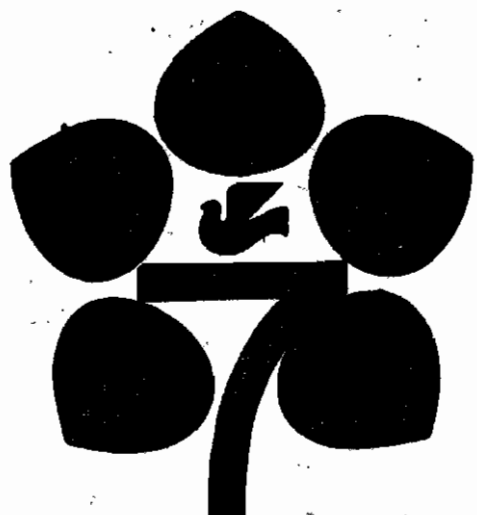
# آیا "عدم تعهد" بمعنای "بی طرفی" است ؟

هفتمین کنفرانس سران کشورهای عضو جنبش غیر متعهد ها در دهلی نو گشایش یافت. در این کنفرانس هیئت های قریب ۱۰۰ کشور و میهمانان دیگر شرکت دارند. این کنفرانس قرار بود سال گذشته در بغداد تشکیل شود ولی بعلمت وضع سیاسی عراق و منطقه دهلی نو منتقل شد. قبل از تشکیل این کنفرانس، کارشناسان کشورهای عضو و همچنین وزرای خارجه آنها ملاقات کردند تا مقدمات انجام کنفرانس سران را آماده سازند. در این جلسات طرحهایی برای تصویب نهایی در کنفرانس سران آماده شدند. چنانکه از این اسناد برمی آید، هدف اصلی تشکیل کنفرانس را میتوان دفاع از همبستگی کشورهای عضو جنبش برای حفظ صلح و ترقی دانست.

به تناسب گوناگونی طیف های سیاسی شرکت کننده در این کنفرانس قرار دادن این اصل بسیار لازم به نظر میاید و در عین حال، دفاع از آن نیز بسیار دشوار. اما افزایش خطر فاجعه هستمای و رشد جنبش ضد جنگ و رشد آگاهی خلقها شرایط عینی قرار دادن چنین بحثی را در این کنفرانس فراهم آورده است. چنانکه وزیر امور خارجه هند پیشنهاد کرده است، جنبش باید بر پایه مواضع اصولی ضد امپریالیستی و مواضع روشن خود در باره خلع سلاح و استعمارزدایی و اوضاع خاورمیانه و همچنین اوضاع اقتصادی جهان موقعیت و وحدت خود را هر چه بیشتر تحکیم بخشد.

اما متاسفانه باید اذعان داشت که این برداشتها تنها نظریاتی نیست که پیرامون انجام این کنفرانس و اهداف آن شنیده میشود. محافل مثلاً سعی میکنند با بزرگ کردن مسائل افغانستان و کامبوج این کنفرانس را از اهداف اصلی خود دور سازند اما تلاش خطرناکتر دیگری نیز که خصوصاً از جانب محافل امپریالیستی شدت دنبال شده و متأسفانه جریان با نفوذی نیز در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران سالهاست آنرا تبلیغ کرده و میکوشند به جنبش غیر متعهد ها نیز تحمیل کنند، تز "دوری یکسان از دو بلوک امپریالیستی و سوسیالیستی" است. چنانکه بارها خاطر نشان ساختیم کوشش آمریکا در این نهفته است که در جایی که بر گرافت از موضع ضد آمریکائی و ضد امپریالیستی بی ثمر است، حداقل پای اتحاد شوروی و سوسیالیسم را نیز در میان کشیده و "شریک جرم" برای خود بترانند.

جالب اینکه همین اواخر با اصطلاح توصیه یگان به مقامات مسئول آمریکا توسط خانم جین کسک پاتریک، نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد در یک بخش نامه داخلی توضیح داده شده و در رسانه های گروهی جهان نیز منعکس شده است. این توصیه را میتوان چنین خلاصه کرد: باید کوشید اختلاف میان کشورهای جهان سوم



**NON-ALIGNED SUMMIT  
NEW DELHI-1983**

**هفتمین اجلاس عالی عدم تعهد**

**دهلی نو ۱۹۸۳**

را عمیقتر کرده و از تشکیل جنبه متحد کشورها ی در حال رشدی که موضع ضد آمریکائی دارند، جدوگری کرد. برای اینکار باید آنها را منزوی و دفع و یا بجان هم انداخت.

اما باید گفت تعداد کشورهای که سعی در تعمیق همکاری کشورهای عضو جنبش و گسترش هماهنگی آنها حول اهداف این جنبش دارند در اکثریت بوده و از پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی نیز برخوردارند. در بیانیه های منتشر شده از طرف بسیاری از کشورهای که در این کنفرانس شرکت دارند، کشورهای سوسیالیستی بشابه متحدین طبیعی این جنبش شناخته میشوند.

باید جمله بسیار گویائی از اهداف و ما هیئت جنبش را از زبان یکی از بنیان گزاران آن و جواهر لعل نهرو نقل کرد که گفته بود: "نباید عدم تعهد را بیطرفی دانست. وی هدف از تشکیل این جنبش را چنین بیان داشته بود: "عامل مشترک مخالفت با تسلط غرب بود و تلاش برای کسب ترقی اجتماعی".

هرگونه تلاش دیگری جز این، جنبش را از محتوی تهی ساخته و اصولاً موجودیت آنرا به خطر خواهد انداخت.

نخستین روز های اجلاس سران حاکی از آن بود که اولاً این جنبش تضعیف نشده و نقش آن در سیاست جهانی افزایش یافته است. ( خانم گاندی با اشاره زیبایی تشکیل " بزرگترین اجلاس سران تاریخ " را افتخاری پسرای کشورش خوانده، اجلاسی که ۱۶۰۰ خبرنگار از سراسر جهان را به دهلی نو کشانده است )

ثانیاً در اکثر نطقهای کنفرانس، سران کشورها و جنبش های مترقی و ضد امپریالیستی، همانگونه که خواست رئیس جمهور کشورمان نیز بود، شجاعانه علیه آمریکا موضع گرفتند. خانم گاندی در نطق افتتاحیه خویش این ادعا را که گویا هند وستان با ابراز تمایل به گزیندن به اتحاد شوروی اصول عدم تعهد را نقض میکند، رد کرد و گفت: " سیاست عدم تعهد در حکم امتناع از دفاع از منافع ملی نیست. اتحاد شوروی بسه هند وستان کمک کرده و در دوران سخت از آن پشتیبانی کرده است. " در باره نتایج این کنفرانس در شماره های آینده " راه توده " توضیح خواهیم داد.

## آیت الله موسوی اردبیلی: باید جنگ را تمام کنیم

آیت الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور در دیدار با اعضای مناطق یازده گانه ارزیابی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اشاره به مسئولیتهای سنگین سپاه و همه انقلابیون گفت:

" باید جنگ را تمام کنیم، مرزها را ببندیم، خطوط انحرافی را از بین ببریم، باند بازی ها را جمع آوری کنیم و خط امام را در میان خود و دیگران پیاده کنیم. "

آری، برای آنکه خط امام پیروز شود، برای اینکه " باند بازی ها " جمع آوری شود، برای آنکه خطوط انحرافی از بین برود، باید جنگ را تمام کرد. جنگ تعمیلی، بگفته رفیق کیانوری تاثیر بسیار منفی ای بر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب در درون جامعه ایران داشته و دارد. برای آنکه در بایم رابطه " خطوط انحرافی " و " باند بازی ها " با جنگ چیست به این گفته رفیق کیانوری در محاسبه با مجله " رولوسیون " توجه کنیم:

" در پیامد جنگ و محاصره اقتصادی امپریالیستی، مشکلات درونی جامعه ایران بسه سرعت افزایش یافته و نیروهای راستگرای وابسته به کلان سرمایه داری و بزرگ مالکی، که اهرمهای مهم اقتصاد کشور را در دست داشتند و با تظاهر به موافقت با انقلاب در بسیاری از پستهای کلیدی نهاد های انقلابی و حاکمیت جمهوری اسلامی جا گرفته بودند، با مهارت از این دشواریها بهره گیری کردند و حرکت طبیعی انقلاب را بسوی گسترش و تکامل کند تر و کند تر کردند و آنرا به رکود کشانند. "

بنابر این، برای غلبه بر این رکود، باید، هم نظر که امام خمینی بارها تاکید کرده اند و آقای موسوی اردبیلی نیز بار دیگر در پاسخ سسئوال خبرنگار صدای جمهوری اسلامی ایران، تکسزار کردند، جنگ را باید تمام کرد. ادامه " جنگ در شرایط کنونی بسود هرچسک نیست جسز امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم اسرائیل. بهمین دلیل است که رفیق کیانوری می گوید:

" بر پایه این واقعیات، حزب شوده ایران برآن است که ادامه این جنگ با زیانتهای باز هم بیشتری برای منهن ما همراه خواهد بود، و برپس پایان بخشیدن به جنگ طبرقم همه خسارتهای و بنیه در صفحه (۱)

# جنگ ایران و عراق مسائل و راه حل ها

بقیه از صفحه ۱

آینده نزدیک بود ، حتی ممکن است جنگ چندین سال دیگر طول بکشد . یعنی علیات الفجر دیگر بعنوان مرحله پایانی جنگ ارزیابی نمیشود . جنگ عراق علیه ایران تبدیل شده است به جنگی فرسایشی برای نابود کردن امکانات اجتماعی و اقتصادی هر دو کشور برای سالهای طولانی . آیا این تنها راه حل موجود و ممکن است ؟

آقای رفسنجانی بارها و بارها این جنگ را بد رستی تحمیلی ارزیابی کرده است و هدف از تحمیل آنرا در این نماز جمعه نیز بار دیگر تکرار کرد : اشغال خوزستان و منابع نفتی ما ، مسدود کردن بندر ما در خلیج فارس ، تضعیف و براندازی اسلام انقلابی ، اجرای این نقشه بر اثر آرزوسود گذشته ها و قهرمانی های توصیف ناپذیر مردم زحمتکش ایران ، بیبهای دادن قربانیهای فراوان و تحمل خسارات وحشتناک مادی شکست مواجه شد . اینک بجز نفت شهر و حوالی آن ، دشمن از بقیه سرزمینهای اشغالی بیرون رانده شده و حتی در برخی نقاط رزمندگان ایرانی چندین کیلومتر وارد خاک عراق گردیده اند . اما جنگ هنوز ادامه دارد .

ببینید ر وضع موجود چه سیاستی برای پایان دادن به جنگ عادلانه تر است ؟ شرایط عادلانه ایران در نخستین روزهای آغاز تجاوز صدامی عبارت بود از : خروج سربازان عراقی از خاک ایران ، پرداخت غرامت عادلانه ، مجازات متجاوزان ، تحقق نخستین شرط را بیکار قهرمانانه مردم ایران به دشمن تحمیل کرد . برای تحقق و شرط دیگر انواع و اقسام راههای موثر دیگر وجود داشت و دارد که بر اثر فشار گروههای معین در حاکمیت از آنها استفاده نمیشود . ادامه جنگ ، یعنی تحمل خسارات جانی و مالی بازم بیشتر از سوی دولت و ملت ، نه بسود

ملت ایران است نه ملت عراق ، ادامه جنگ تنها به نفع امپریالیسم بین المللی و در درجه اول امپریالیسم آمریکا است تا جای پای خود را در منطقه مستحکمتر کند . ولی در داخل کشور و در داخل حاکمیت انواع گروهها و نیروها وجود دارند که ادامه جنگ را برای تحقق هدفهای شوم خود که بخصوص تضعیف قطعی و کامل اسلام انقلابی باشد ، لازم میبشوند .

این عناصر توانستند با طرح شعارها و اهداف غیر عقلی تشتت فکری در مورد اهمیت پایان جنگ را در بین مسلمانان مبارز نیز ایجاد کنند . استفاده هائسی که تا بحال این نیروها از ادامه جنگ پسران بیرون رانده شدن ارتش متجاوز کرده اند عبارتست از : به تعویق انداختن هرگونه اصلاحاتی بسود کارگران و ود هفتان و دیگر توده های زحمتکش خلق یعنی جلوگیری از تحقق عدالت اجتماعی که یسکی از شعارهای اصلی انقلاب بود ، پایمال کردن آزادی های سیاسی و اجتماعی پیش بینی شده در قانون اساسی ، سواستفاده هلی کلان مالی و اقتصادی و وابسته نگاه داشتن و حتی وابسته تر کردن اقتصاد کشور به واردات با واسطه یا بیواسطه از کشورهای امپریالیستی ، ایجاد جو دشمنی نسبت به کشورهای سوسیالیستی و به ویژه اتحاد شوروی و کوشش برای انزوای کشور ماحتی در میان کشورهای پیشرو غرب و مسلمان و غیره . اکنون با یورش همه جانبه راستگرایان به آزادی های سیاسی و اجتماعی این گرایش های منفی بی بنید و بار تر گسترش خواهد یافت .

آقای رفسنجانی در خطبه های خود ، سقوط رژیم صدام را برای اینکه امپریالیسم دیگر ژاندارمی در منطقه نداشته باشد ، یکی از شروط اصلی ذکر کرد . صرف نظر از اینکه ژاندارم اصلی آمریکا در منطقه اسرائیل است و ژاندارم دومی که در

حال آماده شدن است دولت اسلامی پاکستان میباشد و علاوه بر اینها آمریکا يك ژاندارم اقتصاد هم دارد که نامش ریستان سعودی است ، ما هم معتقدیم که رژیم صدام باید حساب جنایات بسی شمار خود را علیه مردم ایران و مردم عراق پس بدهد . ولی این رژیم باید توسط خود مردم عز سرتگون گردد و البته مردم ایران هم حق و وظیفه دارند در این جهت به برادران عراقی خود کمک کنند . اگر این اصل پذیرفته شود ، آنگاه دیگر ادامه جنگ تنها راه رسیدن به تحقق این هدف نیست . خواست محکوم کردن و مجازات متجاوز در هر حال خواستی عادلانه است ولی در ایران آقای رفسنجانی تنها کسی نیست که درباره جنگ نظریات خود را ارائه میدهد . اینکار را هم دیگر مسئولین کشور و هم بسیاری افراد غیر مسئول و در رسانه های گروهی انجام میدهند . منتها از زاویه دید دیگری که چه بسا بر امکانات واقعی و بر منافع مردم ایران و عراق منطبق نیست .

میکهنگد جنگ ایران و عراق جنگ اسلام و کفر است ، میگویند هدف "رزمندگان اسلام" (ونسه رزمندگان ایرانی) باز کردن راه کریملا و قدس و سپس نابودی کفر و استکبار جهانی است ، اهتزاز در آوردن پرچم لاله الاالله بر فراز کاخ سفید واشنگتن و کاخ کرملین است و تا تحقق این اهداف رزمندگان ما باید جنگ را ادامه بدهند .

هدفهایی که اگر تمام مسلمانان جهان هم شریست شهادت بنوشند به آن دست نخواهند یافت چه رسد به ما مسلمانان ایرانی که علاوه بر بیکار علیه توطئه های گوناگون امپریالیسم جهانی ، قشریها و مسلمان نماها بر ایام یک دشمن واقعی هم تراشیده اند که همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی و تمام کشورهای سوسیالیستی را زیر نام "الحساد" در بر میگیرد .

باید واقع بین بود و همه جوانب مسئله را بدرستی سنجید و به هدفهای عادلانه و قابل دسترسی بسنده کرد . نباید همه کسانی که برای پایان دادن به جنگ میکوشند "قابل صهیونیسم بین المللی و استکبار جهانی" دانست . در این زمینه باید تاکید کرد که هر چه سیاست خارجی نام صحیح حاکمیت جمهوری اسلامی ایران که بر اثر خرابکاری هجته

— آنها ، قشریها و مسلمان نماهای نفوذی مهال طبقات غارتگر و امپریالیسم بین المللی در منجلاب شوروی ستیزی گرفتار شده است . عملا ایران را از صف کشورهای ضد امپریالیستی جدا ساخته و در کنار ترکیه و پاکستان ، تکیهگاهای آمریکا در منطقه قرار داده و دارد به منافع ملی ما سخت لطمه میزند . همان کسانی که در داخل کشور ، بنام اسلام ، رژیم بهره کشی و غارتگری را چهار سال تمام پسر از انقلاب دست نخورده نگاه داشتند ، اکنون میخواهند آنرا بطور قطع تثبیت کنند ، بطوریکه در همان نماز جمعه حتی از دل پر درد آقبای رفسنجانی نیز آهی برآمد که اگر ما در فقط سلام راهی برای غلبه بر بی عدالتی ها نیابیم جوانان مادر آثار مارکس ولنین بد نیال راه حلی خواهند گشت همانها دارند سیاست خارجی ما را همهزائده سیاست خارجی کشورهای امپریالیستی بدل می کنند . تا دیر نشده است باید چشمه را کشف و گوشه را باز کرد و دست به کار شد و گرنه فردا خیلی دیر است .

## در هفته ای که گذشت

بقیه از صفحه ۱۰

زیانهای که وارد آورده است ، از این جهت که در جهت خنثی ساختن نقشه های شیطانسی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل در منطقه اثر عمیق خواهد گذاشت مالا بسود انقلاب ایران و گسترش جنبش ضد امپریالیستی در تمامی منطقه تمام خواهد شد . هر روز که میگذرد ، این واقعیت آشکارتر و روشنتر می شود .

## باید قوانین بنیادی انقلابی را تصویب و اجرا کرد

هر روز که از کار " ستاد پیگیری فرمان امل میگذرد ، این واقعیت بیشتر عیان می شود که

بدون تصویب و اجرای قوانین انقلابی ، اجرای پیام ۸ ماده ای امام نیز ممکن نیست . آیت الله موسوی اردبیلی در مصاحبه با خبرنگار صدای جمهوری اسلامی ایران ، به این مهم اشاره داد . شت . رئیس دیوان عالی کشور با تاکید بر اینکه مشکلاتی که فرا راه اجرای پیام امام پیش آمده " به کل جامعه " مربوط است و "خیطه" و "ظایف هر سه قوه — اجرائیه ، مقننه ، و قضایی — را در بر میگیرد ، اضافه کرد که حل این مشکلات بسدون قوانینی که بیرون کردن مستاجر منضم مسفر را غیر ممکن سازد ، جلوی بیکار کردن کارگران را بگیرد و ... ممکن نیست . پس باید قانون کار انقلابی ، قانون مالک و مستاجر انقلابی ، قانون اصلاحات ارضی انقلابی ، قانون دولتی کردن بازرگانی خارجی و ... را اجرا کرد تا بسا سرمایه دار ظالم ، مالک زورگو ، آریاب چپا و لگرس ، تروزیست اقتصادی و ... مبارزه شود .



# در حاشیه سفر یاب به آمریکای مرکزی

دندان شکنی که همین خلق معتقد و متدین که برای شنیدن موعظه وی گرد آمده بودند و اثبات مدعای ماست.

اعداد شش هزار در گواتمالا صیاد با سفر پختاب به این منطقه بود. وی این عمل را محکوم نمود اما به همین اکتفا کرد و از سبب اصلی جنایت و جنایات بی شمار در این منطقه که مستبدین نظامی - یاز هم کاتولیک - و حامیان آمریکائی اش هستند هیچ نامی نبرد و طرفین را به آشتی دعوت کرد.

ولی آیا میتوان کرد و میش را با هم آشتی داد ؟ یاب کم هیچ شک و شبهه ای باقی نمیگذارد که "شبان" کدام "گله" است.

یاب در هفته گذشته به چند کشور آمریکای مرکزی از جمله نیکاراگوئه و گواتمالا و السالوادور مسافرت کرد. این مسافرت هنگامی انجام گرفت که این منطقه شاهد در ناگهین وقایع برای مردم آن که برای آزادی و دیکراسی مبارزه میکنند ، بود و به جونا نگاه تاخست و تاز نظامیان راستگرای حق کنی و "گله سبزه های" یانگی تبدیل گشته است.

از سخنرانی های وی در این دیدارها چنان بر نمی آید که وی خواسته باشد جانب تود های تحت ستم را که قریب با تاقی آنان پیرو مذهب کاتولیک اند ، گرفته و سخنگوی بانک حق طلبانه آنان باشد برعکس و افتقاد وی به کلیسای مبارز نیاراگوئه جواب

## مداخله آشکار

تلاش برای جلوگیری از افزایش کنکهای مالی و نظامی به رژیم حاکم در السالوادور ، در ایالات متحده آمریکا همچنان ادامه دارد .

ریگان اعلام کرده بود که حاضر است ۶۰ میلیون دلار دیگر در اختیار این رژیم گذاشته و تعداد مستشاران نظامی خود را نیز در این کشور افزایش دهد و تهدید کرده بود که در صورت مخالفت کنگره این مبلغ را از بحلی تامین خواهد کرد که تحت کنگره قرار ندارد .

مقامات آمریکائی اوضاع رژیم در السالوادور را بسیار وخیم ارزیابی میکنند . حملات اخیر مبارزین به نقاط استراتژیک و تصرف چندین منطقه مهم و از جمله قدرت نمائی آنان در تصرف شهر "برلین" محافظ ارتجائی در آمریکا را سخت به وحشت انداخته است . حزب کمونیست آمریکا از مردم خواست تا به مقاومت خود علیه سیاست دولت ادامه دهد و آسرا تشدید نکند . این حزب یادآوری کرده است که شرکت گسترده آمریکا در جنگ ویتنام نیز با همین اقدامات آغاز شد .

## سیاست آشنا

بقیه از صفحه ۵

تویدار "آمریکا بنحو عریانی بکار افتاد" نمایندند . آمریکا در مذاکرات یونان را بدستور کاخ سفید ترک کرد . اما کشش های جنگی آمریکائی در سواحل یونان لنگر انداخته و جنگنده های آن کشور نیز فرودگاه های یونان را قرق کردند . در همین حال آمریکا اعلام کرد که کنکهای نظامی خود بترکیه را افزایش خواهد داد . این عکس العمل واشنگتن برای مردم و دولت یونان غیر قابل پیش بینی نبود . آمریکا شیوه زیر فشار قرار دادن طرف مذاکره را پیشه کرده بود .

متعاقب این جریان پایتاند رگو مخالفت خود با استقرار موشک های میانبرد آمریکائی در اروپای غربی را اعلام و از پیشنهادات دولت های عضو پیمان ورشو و بیانیه پراگ آنها استقبال کرد و خواست که منطقه عاری از سلاح های هستمائی در شبه جزیره بالکان ایجاد شود . در مانور "وینتکس" ناتو نیز شرکت نجست و در هفته گذشته نیز پیمان همکاریهای اقتصادی و فنی با اتحاد شوروی منعقد کرد .

در این گیر و دار سیاست دیگر آمریکا بکار افتاد . ژنرال های ارتش شروع به اعتراض به وضع داخلی ارتش و عدم وجود دیسیپلین و عدم رعایت سلسله مراتب کردند . تشکیل کمیته های سرانازان را شدیداً مورد حمله قرار داده و اظهار داشتند که این کمیته ها تحت نفوذ کمونیستها هستند

غیره . هفته گذشته نیز ارتش و نیروهای پلیسی عملیات آماده باشی عظیمی برای انداختند که شایعات مربوط به انجام کودتا علیه دولت را قوت بخشید .

مردم یونان کودتای "سرهنگان سیاه" را کموسیله آمریکا و ناتو طرح ریزی و به کمک آنان اجسرا شد . فراموش نکرد ماند . اگرچه نیروهای راست - گرای افراطی در انتخابات گذشته شکست فاحشی متحمل شدند ، اما این بدان معنی نیست که نفوذ خود را در ارتش و ارگانهای انتظامی دیگر از دست داده باشند .

"سیا" و محافظ ناتو نیز بر همین "نفوذی" ها که تعدادی از آنان اگرچه ناچیز و اخیراً پاک - سازی شدند ، حساب میکنند .

تمام تلاشهای آمریکا چه از داخل توسط "نفوذی" های "خود" چه فشار و تهدید از خارج برای بی ثبات سازی اوضاع در یونان و جلوگیری از روندی که آغاز شده و میتواند امید بخش باشد نمونه عریانی سیاست عمومی آمریکا نسبت به کشورها است که یاد شد و ما ایرانیها نیز باید گفست متاسفانه تا حال بیشترین صدمات را از این سیاست خورد مایم .

آتش که آمریکا با آن در یونان بازی میکند میتواند عواقب بسیار خطرناکی در بر داشته باشد . تجربه نشان داده است که تنها پیگیری در مواضع و انجام بی وقته آن با تکیه بر خلق تنها مایه ای است که میتواند این آتش را خاموش کند .

سیاست آمریکا همان است و چاره نیز همان .

## آزمایشات

## چنانکه نازی هائی کردند

نشریات آفریقائی گزارش داد ماند که آرزوهای ویژه اعصاب انسان بر روی زندانیان اردوگاه هادرنامیبیا آزمایش میشود . طبق گزارش این نشریات یک گروه زیست شناس و متخصص شیمی که در آمریکا و کشورها اروپای غربی تعلیم دید مامند تحت نظارت ارتش اشغالگر نژادپرستان در نامیبیا قرار دارند و این آزمایشات را انجام میدهند . همچنین گفته میشود که این آزمایشات در اردوگاه های نازی ها در جنگ دوم جهانی نیز انجام میگرفتند . در بسیاری از موارد به کسانی که تحت بازجویی قرار دارند مقدار فراوانی مواد مخدر تزریق میشود . در این اردوگاهها مبارزین سواپو و همچنین عده زیادی زن و کودکان نگا داری میشوند .

## رشد جنبش در اردوگوه

حزب کمونیست اردوگوه تمام نیروهای میهنپرست کشور را فرا خواند تا برای دیکراسی و آزادی متحدا مبارزه کنند . پس از رد قانون اساسی پیشنهادی نظامیان حاکم و پیروزی نیروهای مخالف در انتخابات سال گذشته اوضاع سیاسی جدیدی بوجود آمده است که بنظر حزب کمونیست این کشور میتواند به سرنگونی رژیم استبدادی بیانجامد . رژیم شدیداً منزوی گشته و تقویت فعالیت نیروهای انقلابی روخیمتر شدن اوضاع اقتصادی کشور وضع آنرا متزلزل ساخته است . به نظر حزب کمونیست اردوگوه وظیفه انقلابیون نه منتظر سقوط رژیم ماندن بلکه تشدید مبارزات مین اتحاد عمل تمام نیروهای انقلابی است زیرا این تنها

راه چیره شدن بر نظامیان مستبد است که نیروهای چپ و دمکرات را تحت شدیدترین پیگرد ها قرار داده و جنبش صنفی زحمتکشان و حقوق آنا را زیر پا گذاشته است .

**کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!**

۴ سوخوم ۲۰۰ مارک  
الف ۲۰ مارک

RAHE TUDEN

No. 32  
Friday, 11 Mar. 83

Address: Winfried Schwarz  
Markgrafenstr. 13  
6000 Frankfurt 90

Price:	England 30 P.
West-Germany	Belgium 22 Fr.
1 DM	Italy 350 L.
Franco 3 Fr.	U.S.A. 40 Cts
Austria 8 Sch.	Sweden 3 Skr.

